

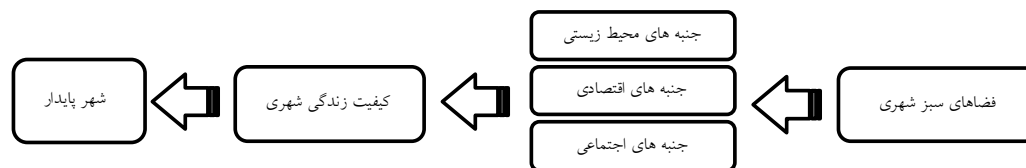
اصول برنامه ریزی فضای سبز شهری

اهمیت فضای سبز شهری

افزون بر نقش فضاهای سبز در بهبود شرایط زیست‌اقليمی شهر، این فضاها به عنوان بخش جاندار ساختار کالبدی شهر نقش مؤثری در کاهش تراکم شهری، ایجاد مسیرهای هدایتی، تکمیل و بهبود کارکرد تأسیسات آموزشی، فرهنگی، مسکونی و ذخیره زمین برای گسترش آینده شهر دارد. این بخش به عنوان جزء جاندار ساختار موفولوژیک شهر، در هماهنگی با بخش بی‌جان کالبد شهر ساخت یا بافت و سیمای شهر را تشکیل می‌دهد، که بر جنبه‌های زیبایی‌شناختی و اجتماعی شهر اثرگذار است. به علاوه فضاهای سبز نقش مهمی در تعریف لبه‌های شهری، تفکیک فضاهای شهری و آرایش شبکه راه‌ها بر عهده دارد. در حقیقت فضای سبز، سیستم زنده و پویایی است که به جهت نقش مؤثر در کاهش تراکم شهری، ایجاد مسیرهای هدایتی، تکمیل و بهبود کارکرد کاربری‌های آموزشی، فرهنگی، مسکونی و ذخیره زمین برای گسترش آتی شهر اهمیت دارد.

اثرات اکولوژیکی فضای سبز ناشی از فعالیت داخلی اکوسیستم می‌باشد و نتیجه آن بهبود شرایط اکولوژیک در شهر است و در واقع آنچه که انسان شهرنشین از آن بهره‌مند می‌شود، نتیجه و اثر فرآیندهای درونی و طبیعی فضای سبز می‌باشد. از سوی دیگر، فضاهای سبز دارای اثرات اجتماعی و روانی، با بوجود آوردن اکوسیستم‌های شبه‌طبیعی در داخل شهر برای انسان می‌باشد. فضاهای سبز خیابانی بخشی از شبکه دسترسی با عملکرد اکولوژیک، اجتماعی، ایمن‌سازی ترافیک و زیباسازی فضاهای شهری و تنوع بخشیدن به ساخت کالبدی شبکه‌های دسترسی شهری می‌باشد. همچنین پارک‌ها و سایر فضاهای سبز شهری با اثر برجسته‌های مختلف محیطی، اقتصادی و اجتماعی که پایه‌های پایداری شهری می‌باشند، کیفیت زندگی و زیست پذیری شهرها را ارتقاء داده و با کارکردهای زیبایی‌شناختی خود در رسیدن به وضعیت مطلوب‌تر محیطی شهرها مؤثر هستند.

ارتباط فضاهای سبز شهری و شهر پایدار



عملکردهای محیط‌زیستی عمدتاً به بهبود شرایط اکولوژیکی و کاهش میزان آلودگی اعم از گازی، ذره‌ای، صوتی، تشعشعی، بوهای نامطبوع و دیگر آلاینده‌های هوا، خاک و آب برمی‌گردد و همچنین فضای سبز شهری باید ارائه‌کننده بازدهی‌های اکولوژیک از جمله بهبود شرایط بیوکلیماتیک در شهر، کاهش آلودگی هوا، افزایش رطوبت نسبی و تأثیر مثبت در چرخه آب و افزایش کیفیت آب‌های زیرزمینی، افزایش نفوذپذیری خاک و کاهش آلودگی صوتی و بهترین شیوه برخورد با جزایر حرارتی شهری نقش دارد. البته کارکردهای محیط زیستی این قسم فضاها با جذب آلاینده‌ها، ایجاد خرداقلیم، کنترل شرایط اقلیمی، کنترل فرسایش، مدیریت رواناب‌های شهری و ایجاد زیستگاه در محیط‌های شهری را نیز نباید از نظر دور داشت.

افزون بر این، نقش تفرجی و ایجاد محیط‌های مطبوع، نقش در ساختار بصری و شهری جهت ایجاد یک تصویر ذهنی و ادراک محیط شهری و نقش اکولوژیک و اهمیت فضاهای سبز در شهر را نباید از نظر دور داشت. فضاهای سبز دارای کارکردهای روان‌شناختی و اجتماعی-فرهنگی، از طریق ایجاد ارتباط متقابل و پیوند اجتماعی و فراهم نمودن تسهیلات و امکانات گردشگری می‌باشند.

کارکرد دیگر این قسم فضاها، جنبه اقتصادی آنها در جذب گردشگران و رونق تجارت، افزایش قیمت زمین و املاک و مستغلات و در نتیجه افزایش میزان مالیات دریافتی توسط شهرداری‌ها می‌باشد. همچنین تفکیک مناطق شهری، تفکیک کاربری‌های شهری، به خصوص اگر در تعارض باشند، جلوگیری از تراکم ساختمانی، برجسته‌سازی خطوط اصلی شهر و تنوع در خطوط خشک معماری از سایر عملکردهای فضاها سبز شهری به شمار می‌روند.

شهرها به عنوان کانون‌های تمرکز، فعالیت و زندگی انسان‌ها برای اینکه بتوانند پایداری خود را تضمین کنند، چاره‌ای جز پذیرش ساختار و کارکردهای متأثر از سیستم‌های طبیعی ندارند. فضای سبز به عنوان جزء ضروری پیکره شهر نقش مهمی در متابولیسم آن ایفا می‌کند. البته منظور از بازدهی محیط‌زیستی و اثر بر متابولیسم شهر، اثرات اکولوژیک و اجتماعی یک فضای سبز فعال است. فضای سبز فعال، فضای سبز طراحی شده متناسب با شرایط اکولوژیک شهرهاست، بطوریکه بتواند ضمن حفظ پایداری خود بطور مستمر در پیوند با ساختار بی‌جان شهر خدمات کیفی خود را ارائه کند. فضاها سبز فعال با ایجاد اکوسیستم‌های فعال طبیعی در فضاها سبز شهری، زیباسازی سیمای شهرها و رفع نیازهای روانی و جسمانی مردم به بهبود شرایط زیست‌اقليمی شهر و پایداری محیط‌های شهری کمک شایان توجهی می‌نماید. این امر از طریق ارتباط صحیح بین شهر و بستر طبیعی آن به صورت بخشی اورگانیک از سرزمین طبیعی و حفظ حضور طبیعت در محیط زیست شهری به عنوان یک ضرورت انکارناپذیر مطرح می‌شود.

آنچه تاکنون پیرامون فضاها سبز شهری بیشتر مطرح بوده شامل زیباسازی محیط، کنترل آلودگی‌ها، مبارزه با بیابان‌زدایی و ایجاد بستر گذراندن فراغت در محیط‌های شهری را به طور عمده مورد توجه قرار داده است و نقش بسیار مهم فضاها سبز شهری در ساختار اکولوژیک و استخوان‌بندی شهر و جهت دادن به توسعه شهری و ساخت و سازها در غالب طرحی جامع با توجه به ارتباطات اکولوژیک بین فضاها سبز و فضاها سبز و بافت شهری کمتر مورد توجه قرار گرفته است. فضاها سبز می‌توانند به عنوان یک محور وحدت بخش برای طرح محیطی عمل کنند و تمامی زمین‌های ساخته‌نشده داخل محدوده شهر را شامل شوند، حتی در صورتی که مالکیت خصوصی داشته باشند. برای تغییر سیمای فضای سبز، چگونگی استفاده از آن و نقش آن در حمایت از تنوع زیستی نیازمند سیاست‌گذاری خاص است.

با توجه به عملکردهای متفاوت و چندبعدی فضاها سبز از جمله آثار اکولوژیک، محیط زیستی و اجتماعی و روانی می‌توان نتیجه گرفت که در زمینه برنامه‌ریزی و طراحی باید به محیط به عنوان یک کلیت و جزئی از سیستم محیط نگاه شود و نمی‌توان با دید یک بعدی با آن برخورد کرد و مسائل و مشکلاتش را با این دید تحلیل نمود و در این روند چگونگی ارتباط بین عوامل بی‌جان سازنده محیط از جمله ساختار محیط طبیعی، سیمای محیط طبیعی، ساختار اکولوژیک محیط طبیعی و تاریخ و توان محیط طبیعی را باید مورد نظر قرار داد. مهمترین مرحله در برنامه‌ریزی و طراحی فضاها سبز تعیین الگو و میزان مناسب برای فضای سبز یک شهر است که بر اساس نگرشی صحیح و نیازهای محیط‌زیستی و اجتماعی شهر و نیز امکانات و قابلیت‌های محیطی صورت می‌پذیرد. درباره دو مقوله توسعه پایدار و ارتقاء بهره‌وری منابع باید سرلوحه سیاست‌گذاری‌های توسعه فضای سبز قرار گیرد. نکته مهم دیگر شناخت ساختار اکولوژیک و وضعیت کیفی محیط است.

